

# ۹۳۲ واژه از زبان تخصصی مدیریت

ویژه داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد کلیه گرایش‌های مدیریت

## گردآوری: علی یونسیان

مقدمه :

درس زبان انگلیسی بعنوان یکی از دروس اصلی و کلیدی جهت آزمون ورودی کنکور کارشناسی ارشد گرایش‌های مختلف رشته مدیریت (صنعتی، بازرگانی، مالی، دولتی، فناوری اطلاعات، کارآفرینی، تکنولوژی، اجرایی، شهری و MBA) در طی سالهای اخیر دستخوش تغییرات و تحولات زیادی گردیده است. تا سال ۱۳۸۱، سوالاتی که برای آزمون کنکور کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار می‌گرفت مجموعه‌ای بود از سوالات تخصصی مدیریتی که با مباحث مربوط به تئوریهای مدیریت، پیوستگی و رابطه‌ی زیادی داشت. اما در آزمونهای سالهای ۸۱ به بعد، سوالات زبان انگلیسی نسبت به سالهای قبل تفاوت چشمگیری داشت. بطوریکه شاهد اضافه شدن سوالات عمومی و همچنین گرامر زبان انگلیسی در این آزمونها بودیم. این امر داوطلبین کنکور ارشد مدیریت را دچار سردرگمی و نگرانی نمود که دلیل عدمه‌ی این نگرانیها، عدم وجود منابع جامع و کاملی بود که بتواند با در نظر گرفتن محدودیت زمانی داوطلبان برای آمادگی در آزمون، کلیه‌ی مطالبی که برای یک چنین آزمونی مورد نیاز است را دارا باشد.

بدون شک این واژگان، علیرغم تمام تلاشی که در جهت کامل و جامع بودن آن شده است، دارای کمبودها و کاستیهایی نیز خواهد بود.

نحوه‌ی یادگیری زبان :

بررسی‌های عمیق در قشر خاکستری مغز گویای این مطلب است که مراکز زبانی در بیش از ۹۰ درصد افراد در نیم کره چپ مغز قرار دارد. اکنون ثابت شده که آن بخش از مغز چپ که در زبان نقش حیاتی دارد، در جنین بزرگتر از بخش مشابه آن در مغز راست است. این عدم تقارن در طول زندگی فرد پایر جای ماند. بعد از تحقیقات بسیاری که صورت گرفته، اکنون باید پذیرفت که یادگیری زبان مستقیماً با استعدادهای فردی و توانایی مغزی افراد مرتبط است. از نظر علم زبان شناسی در طول سالهای حیات یک فرد، دوره‌ای وجود دارد موسوم به دوره‌ی حیاتی که در این زمان یادگیری زبان با حداقل سرعت خود صورت می‌گیرد. این دوره‌ی حیاتی در سالهای قبل از بلوغ است و پس از اتمام این دوره فراغیری زبان نمی‌تواند کاملاً موقفيت آمیز باشد. البته نمونه‌های فراوانی بعنوان شاهد بر این ادعا وجود دارد که در اینجا مجال بحث بر روی آنها نیست، ولی با تمام این تفاسیر و پذیرش مساله‌ی استعدادی بودن فراغیری زبان، مساله‌ی قابل بحث باقی می‌ماند و آن هم اجتناب ناپذیر بودن یادگیری زبان دوم است. درباره‌ی نحوه‌ی فراغیری زبان دوم بحث‌های گستره و نظریه‌های جنبال بر انگیز فراوانی وجود دارد، ولی بد نیست که نسبت به پاره‌ای از این مطالب آشنایی پیدا کنیم.

یادگیری زبان دوم فقط در موارد محدودی شباهت به نحوه‌ی یادگیری زبان اول (زبان مادری) دارد که البته این مورد از حبشه‌ی بحث ما خارج است و بیش از این به آن نمی‌پردازیم. ولی مساله‌ای که برای سیاری از ما قابل‌لمس است، تأثیر سن بر فرآیند یادگیری زبان دوم و عملًا مشاهده شده که بنا به دلایل زیادی از جمله خاصیت شکل پذیری مغز کودکان به ویژه در حوزه‌ی تلفظ، یا احساس کم رویی و اضطراب در بزرگسالان مخصوصاً در تقلید اصوات و ...، این ادعا تا حد بالایی قابل‌پذیرش است.

مشکلی که دامن گیر تعداد کثیری از داوطلبان کنکور در هر مقطعی است، مساله‌ی زبان است. این مشکل از لحظه‌ی یادگیری شروع می‌شود تا به مرحله‌ی تست زدن می‌رسد. وقتی صحبت از زبان می‌شود دو مقوله‌ی لغت و دستور همزمان با هم به ذهن خطور می‌کند و واضح است که یادگرفتن لغت به تنها یی یا صرفاً یادگرفتن دستور، کاری را از پیش نمی‌برد، پس باید برای هر کدام از آنها جداگانه چاره‌ای اندیشید. نحوه‌ی یادگرفتن زبان و مخصوصاً لغت در افراد، متغیر است. ولی بهترین روشی را که می‌توان بر اساس تجربیات دارای نتیجه‌ی مثبت پیشنهاد کرد، بدین ترتیب است :

اینکه یک لغت بارها و بارها به گوش انسان برسد یا به چشم بخورد، عملًا امر حفظ کردن لغت را تسهیل می‌کند و حتی شاید در همین حین، لغت در حافظه به حالت ثبت بررسد. بنابراین اگر لیستی از لغات را تهیه کنید (۱۰ تا ۱۵ لغت) و آنها را به مکانهایی که احساس می‌کنید در طول روز ممکن است چشمتان زیاد به آن بخورد نصب کنید (مثل دیوار اتاق خواب، مانیتور کامپیوتر و یا حتی داشبورد ماشین) تأثیر جالب توجهی را می‌بینید، بد نیست آنرا امتحان کنید. یادگرفتن یک لغت در قالب جمله یا متن بسیار آسان تر از روش‌های دیگر است. حتماً تا بحال تجربه کرده اید که معنی یک لغت نا آشنا را در یک متن، خیلی راحت تر می‌توانید حدس بزنید یا حتی آن را یاد بگیرید. پس بهتر است برای حفظ کردن لغات از متن درس استفاده کنید و اگر به لغتی خارج از متن درس برخورد کردید، خودتان برای آن یک جمله به فارسی بسازید و کلمه‌ی مورد نظر را در آن به همان حالت به کار ببرید. در این صورت امکان ندارد که لغت از ذهن بیرون رود.

شنیدار (Listening) اولین مرحله در یادگیری زبان است و بعد از آن تکرار (Repeat) قرار دارد. در نهایت توصیه می‌شود اگر حفظ لغات برای شما مشکل است، مخصوصاً لغاتی که دارای تعداد زیادی هجا (Syllable) هستند، حتماً از روی آنها چندین مرتبه بنویسید، با اینکار هم حفظ کردن لغت آسان تر می‌شود و هم دیکته‌ی آنها را یاد می‌گیرید.

گرامر یا دستور زبان اصول و قواعد مشخصی است که با استفاده از این قواعد و به کمک واژگان، می‌توان یک جمله‌ی درست و دارای معنی زبانی را تولید کرد.

البته یادگرفتن گرامر بسیار آسان تر از لغت است، زیرا گرامر در چارچوب مشخصی قرار دارد. ولی برای اینکه در فرآگیری گرامر نیز با مشکل کمتری مواجه شویم، بهتر است که برای هر مورد دستوری، به اندازه‌ی کافی مثال خوانده شود و حتی اگر امکان دارد خودتان برای هر مورد مثالی بزنید تا بیشتر قابل درک شود. هنگام تست زدن هم حتماً باید با توجه کامل به صورت سوال و گزینه‌ها، انتخاب مناسبی صورت گیرد. گاهی نکات گرامری یا کلمات بهترین راهنمای برای رسیدن به جواب صحیح هستند (مثل قیدها، صفتها یا نکات گرامری که برای نقض یک گزینه یا تایید آن مناسب است) سد زبان برای رسیدن به اهداف والا قابل شکستن است، اگر بخواهیم، سعی کنیم و دقت کنیم.

<b>Authority</b>	اختیار، اقتدار
<b>Acquisition</b>	اکتساب، خرید، بدست آوری
<b>Ad hoc</b>	ویژه، مخصوص
<b>Adhocracy</b>	سازمان ویژه یا ادھوکراسی
<b>Accountability</b>	مسئولیت، پاسخگویی
<b>Adaptability</b>	انعطاف پذیری
<b>Announcing</b>	آگهی
<b>Application</b>	درخواست
<b>Applicant</b>	داوطلب
<b>Ability</b>	توانایی
<b>Affiliation Needs</b>	نیازهای تعلق، نیازهای وابستگی
<b>Autonomy</b>	استقلال
<b>Absorbing</b>	جذب
<b>Ad Hoc Committee</b>	کمیته ویژه، کمیته موقت
<b>Ambiguity</b>	ابهام
<b>Audience</b>	حضور، تماشاگران
<b>Averting</b>	دفع
<b>Accuracy</b>	دقت
<b>Accomplishment</b>	دستاوردها، انجام، اجرا، موفقیت، دستیابی
<b>Activity Rations</b>	نسبتها فعالیت
<b>Anticipatory Control System</b>	سیستم کنترل پیش بینی کننده
<b>Asset</b>	دارایی
<b>Artificial Intelligence (AI)</b>	هوش مصنوعی
<b>Access</b>	دستیابی، دسترسی داشتن
<b>Accuracy</b>	صحت، دقت
<b>Apparent</b>	ظاهری
<b>Appropriate format</b>	شکل مناسب
<b>Approximate</b>	تخمین زدن
<b>Acceptance</b>	قبولیت، پذیرش
<b>Action generator</b>	محرك عمل، عمل ساز
<b>Alternative Generation</b>	ایجاد بدیل، ایجاد راهکار قابل جایگزین
<b>Analytical</b>	تحلیلی

<b>Autocratic process</b>	فرآیند استبدادی
<b>Across the organization communication</b>	ارتباطات در سراسر سازمان
<b>Anxiety</b>	اضطراب، نگرانی
<b>Accommodating</b>	انطباق
<b>Affective Conflict</b>	تعارض احساسی
<b>Arrogant</b>	متکبر
<b>Authoritarianism</b>	استبدادی، فلسفه تمرکز قدرت یا استبدادی
<b>Avoidance</b>	اجتناب
<b>Alarm Phase</b>	مرحله‌ی اخطار
<b>Adolescence Stages</b>	مراحل بلوغ
<b>Advertising</b>	تبلیغات، آگهی، اعلان
<b>Adulthood Stages</b>	مراحل بزرگسالی
<b>Accounts payable</b>	حسابهای پرداختنی
<b>Accounts receivable</b>	حسابهای پرداختنی
<b>Acid test ratio</b>	نسبت آزمون سریع
<b>Acquired skills</b>	مهارت‌های اکتسابی
<b>Acquisition financing</b>	تأمین مالی اکتسابی
<b>Administrative domain</b>	قلمرو اداری
<b>Angel investor</b>	فرشته‌ی سرمایه‌گذار
<b>assembly</b>	مونتاژ
<b>Background</b>	پیشینه، سابقه
<b>Bonus</b>	پاداش
<b>Bureaucracy</b>	بوروکراسی، دیوانسالاری
<b>Business Strategy</b>	استراتژی
<b>Boundary</b>	مرز
<b>Budget</b>	بودجه
<b>Budget Planning</b>	برنامه ریزی بودجه
<b>Budgeting Cycle</b>	سیکل بودجه، چرخه بودجه
<b>Blue collar</b>	کارگران، نیروهای صفتی (اجرایی)
<b>Brainstorming</b>	طوفان مغزی(طوفان فکری)
<b>Basic Outcomes</b>	پیامدهای اساسی
<b>Batch-Processing System</b>	سیستم پردازش دسته‌ای ( محموله‌ای)
<b>Breakeven Analysis</b>	تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر

<b>Business Entity</b>	ماهیت موسسه تجاری
<b>By-Product</b>	محصول فرعی
<b>Bounded rationality</b>	عقلانیت محدود شده
<b>Brief</b>	خلاصه
<b>Bargaining Power</b>	قدرت چانه زنی
<b>Buffer</b>	سپر، حایل
<b>Burn-Out</b>	تحلیل رفتگی
<b>Balance sheet</b>	ترازنامه
<b>Blue sky qualifications</b>	مقررات محلی
<b>Board of advisors</b>	هیئت مشاوران
<b>Board of directors</b>	هیئت مدیره
<b>Book keeping</b>	دفترداری
<b>broker</b>	کارگذار
<b>Business plan</b>	طرح تجاری
<b>Career</b>	کار راهه ، مسیر ترقی ، دوره
<b>Career Advancement</b>	پیشرفت حرفة ای
<b>CEO</b>	رییس سازمان
<b>Ceremonial</b>	تشrifاتی
<b>Chain Command</b>	زنگیره ی فرماندهی
<b>Chief</b>	رییس
<b>Conceptual Skills</b>	مهارت‌های ادراکی (مفهومی)
<b>Controlling</b>	کنترل
<b>Coordination</b>	هماهنگی
<b>Challenge</b>	چالش ، به مبارزه طلبیدن
<b>Classical Management</b>	مدیریت کلاسیک
<b>Colleagues</b>	همکاران ، همقطاران
<b>Contingency Approach</b>	رویکرد اقتضایی
<b>Conventional Managerial Wisdom</b>	خرد سنتی مدیریتی
<b>Cooperation</b>	همکاری
<b>Creative Goals</b>	اهداف خلاقانه
<b>Capital</b>	سرمایه
<b>Change</b>	تغییر
<b>Coalition</b>	ائتلاف

<b>Competition</b>	رقبت
<b>Complexity</b>	پیچیدگی
<b>Consciously</b>	آگاهانه ، از روی قصد
<b>Consolidate</b>	یک کاسه کردن ، یکی کردن
<b>Constant</b>	مستمر
<b>Constraint</b>	محدودیت
<b>Critical</b>	حياتی ، بحرانی ، مهم
<b>Competitive Advantage</b>	مزیت رقابتی
<b>Competitive Edge</b>	لبه رقابتی
<b>Competitive Strategy</b>	استراتژی رقابتی
<b>Computer Simulation</b>	شبیه سازی کامپیووتری
<b>Contingency Plans</b>	برنامه های اقتضایی
<b>Core Competency</b>	قابلیت محوری
<b>Corporate Strategy</b>	استراتژی شرکت
<b>Critical Events</b>	رویدادهای حیاتی (بحرانی)
<b>Culture</b>	فرهنگ
<b>Commitment</b>	تعهد
<b>Contribution</b>	کمک ، فعالیت
<b>Criteria</b>	معیار
<b>Conflict</b>	تعارض
<b>Coordinating Level</b>	سطح هماهنگی
<b>Costing system</b>	سیستم هزینه یابی
<b>Corporate Culture</b>	فرهنگ بنگاه
<b>Copyright</b>	حق اثر
<b>Change agent</b>	عامل تغییر
<b>Change Process</b>	فرآیند تغییر
<b>Chaotic</b>	آشفته
<b>Climate</b>	جو ، فضا
<b>Compensation</b>	جبران خدمات
<b>Competency</b>	شاخصتگی
<b>Counseling</b>	مشاوره
<b>Critical Incident Rating</b>	درجه بندی وقایع بحرانی
<b>Classical Conditioning</b>	شرطی سازی کلاسیک (ستنی)

<b>Coercive Power</b>	قدرت اجبار، قدرت مبتنی بر زور
<b>Concern for People</b>	توجه به افراد
<b>Concern for Production</b>	توجه به تولید
<b>Continuum</b>	پیوستار
<b>Country Club Management</b>	مدیریت باشگاهی
<b>Client</b>	ارباب رجوع ، مشتری
<b>Cohesiveness</b>	انسجام ، پیوستگی
<b>Collective Rationalization</b>	توجهیه جمعی
<b>Command Group</b>	گروه فرمان
<b>Committee</b>	کمیته ، گروه تخصصی
<b>Committee structure</b>	ساختار کمیته
<b>Concentrate</b>	تمرکز کردن
<b>Co-optation</b>	همراهی ، همکاری ، هماهنگی
<b>Carrying</b>	حفظ (انبارداری)
<b>Closed-Loop Structure</b>	ساختار حلقه بسته
<b>Computerized Simulation</b>	شبیه سازی کامپیوتری
<b>Constraint</b>	محدودیت
<b>Control</b>	کنترل
<b>Conventional System</b>	سیستم عرفی ، سیستم مرسوم ، سیستم معمولی
<b>Corrective Action</b>	اقدام اصلاحی
<b>Critical Activities</b>	فعالیتهای بحرانی
<b>Critical Path</b>	مسیر بحرانی
<b>Completeness</b>	کامل بودن
<b>Conversational</b>	محاوره ای
<b>Conversation</b>	تبديل
<b>Cyclical</b>	متناوب
<b>Configuration</b>	شكل
<b>Content</b>	محتوی ، گنجایش
<b>Context</b>	زمینه ، مقاد ، مفهوم
<b>Continuous Manufacturing</b>	تولید مستمر ، تولید پیوسته
<b>Cost-Benefit Analysis</b>	تجزیه و تحلیل هزینه فایده
<b>Cause-And-Effect Relationship</b>	رابطه علت و معلولی
<b>Causes</b>	دلایل ، علت‌ها

<b>Choice</b>	انتخاب ، گزینه
<b>Compromise</b>	سازش ، مصالحه
<b>Computational Decision</b>	تصمیم محاسبه ای ( کامپیوتری )
<b>Conflict Resolution decision</b>	تصمیم مربوط به حل تضاد
<b>Consultative Process</b>	فرآیند مشاوره ای
<b>Creativity</b>	خلاصه
<b>Child Ego-State</b>	حالت من کودکی
<b>Circle Networks</b>	شبکه های دایره ای
<b>Communicating With Rapport</b>	برقراری ارتباط راغبانه
<b>Compromising</b>	سازش
<b>Condescending</b>	تحقیر آمیز
<b>Conflict</b>	تعارض
<b>Conflict Reinforcement</b>	تقویت تعارض
<b>Cumulative</b>	جمعی
<b>Career</b>	کار راهه ، مسیر ترقی ، حرفه ، کار ، مسیر پیشرفت
<b>Career Ladder</b>	نردبان مسیر ترقی
<b>Career Management</b>	مدیریت مسیر ترقی
<b>Career Path</b>	مسیر ترقی ، مسیر دوره خدمتی
<b>Career Prospect</b>	دورنمای شغلی
<b>Career Stages</b>	مراحل مسیر ترقی
<b>Centrality Movement</b>	حرکت مرکزی
<b>Childhood Stages</b>	مراحل کودکی
<b>Code Of Ethics</b>	کدهای اخلاقی
<b>Continuous Scanning</b>	نظرارت مستمر ، کنکاش مستمر
<b>Controversial Products</b>	محصولات بحث برانگیز
<b>Centralization</b>	تمرکز
<b>Communication</b>	ارتباطات
<b>Communication Barriers</b>	موانع ارتباطی
<b>Communication Channel</b>	کanal ارتباطی
<b>Communication Networks</b>	شبکه های ارتباطی
<b>Communication Noise</b>	پارازیت ارتباطی
<b>Coalition Dominance</b>	تسلط ائتلافی
<b>Cognitive Conflict</b>	تعارض شناختی

<b>Collaborating</b>	همکاری ، تشریک مساعی
<b>Common Superior</b>	مافق مشترک
<b>Competition</b>	رقبت
<b>Career counseling</b>	مشاوره‌ی شغلی
<b>Cash flow statement</b>	صورت گردش وجهه نقد
<b>CEO</b>	مدیر عامل
<b>Checklist method</b>	روش چک لیست
<b>Cheering squad</b>	گروه شادی بخش
<b>Client base</b>	پایگاه مشتری
<b>collateral</b>	وثیقه
<b>Collective notebook method</b>	روش یادداشت برداری اشتراکی
<b>Commercialization stage</b>	مرحله‌ی تجاری سازی
<b>Depreciation</b>	استهلاک
<b>Decisional Roles</b>	نقشه‌ای تصمیم گیری
<b>Deviation</b>	انحراف
<b>Deviant</b>	منحرف ، کج رو
<b>Discipline</b>	رشته ، نظم و ترتیب
<b>Disseminator</b>	نشردهنده اطلاعات ، توزیع کننده اطلاعات
<b>Disturbance Handler</b>	برطرف کننده‌ی اختلال ، تشنج زدا
<b>Defamation</b>	افترا ، تهمت
<b>Department</b>	بخش ، اداره
<b>Diversification</b>	تنوع گرایی
<b>Division of Labor</b>	تقسیم کار
<b>Decline</b>	شکست ، افول
<b>Deregulation</b>	قانون زدایی
<b>Disposal</b>	ضایعات
<b>Dominant</b>	سلط ، غالب
<b>Dynamic Environment</b>	محیط پویا
<b>Differentiation</b>	تمایز
<b>Delegation</b>	تفویض اختیار
<b>Departmentalization</b>	بخش بندی
<b>Delegation Style</b>	سبک تفویضی
<b>Delphi Technique</b>	فن دلفی

<b>Departmentalize</b>	بخش بندی کردن
<b>Directing</b>	هدايت
<b>Debt</b>	بدھي
<b>Devote</b>	اختصاص دادن
<b>Diagram</b>	نمودار
<b>Disruption</b>	اختلال
<b>Data</b>	داده ، اطلاعات خام
<b>Database</b>	پایگاه داده ها
<b>Data Processing</b>	پردازش داده ها
<b>Decision Support System (DSS)</b>	سیستم پشتیبانی از تصمیم
<b>Decision Analysis</b>	تجزیه و تحلیل تصمیم
<b>Decision Making</b>	تصمیم گیری
<b>Decision Process</b>	فرآیند تصمیم
<b>Decision Tree</b>	درخت تصمیم
<b>Deterioration</b>	اضمحلال
<b>Devil's Advocate</b>	مخالف
<b>Deceit</b>	تزوير ، فریب
<b>Decentralized Networks</b>	شبکه های غیر متمرکز
<b>Decoding Process</b>	فرآیند رمز گشایی
<b>Defensive Behavior</b>	رفتار تدافعي
<b>Defensiveness</b>	تدافعی بودن
<b>Distorted perceptions</b>	ادرادات تحریف شده
<b>Distortions from the past</b>	تحریفاتی از گذشته
<b>Distrusted source</b>	منبع غیر قابل اطمینان
<b>Downward communication</b>	ارتباطات رو به پایین
<b>Decoupling</b>	جداسازی ، عدم اتصال
<b>Distributive bargaining</b>	چانه زنی توزیعی
<b>Divine Power</b>	قدرت مقدس
<b>Dogmatism</b>	جزم گرایی ، اظهار عقیده بدون دلیل
<b>Distress</b>	استرس مضر ، فشار عصی بد
<b>Depression</b>	افسردگی
<b>Dual Career</b>	مسیر دوگانه
<b>Discrimination</b>	تبییض

<b>Drug Abuse</b>	مواد مخدر
<b>Decentralization</b>	عدم تمرکز
<b>Deal structure</b>	ساختار معامله
<b>dilution</b>	کاهش ارزش سهم
<b>disbursement</b>	پرداخت
<b>Distribution channel</b>	کanal توزیع
<b>Diversified activity merger</b>	ادغام چند شرکت کاملاً نامربوط
<b>Executive manager</b>	خلاصه ای برای مدیریت
<b>Equity market</b>	بازار سرمایه
<b>enterprise</b>	بنگاه ، موسسه تجاری
<b>Employer</b>	کارفرما
<b>Employee contract</b>	قرارداد استخدام
<b>Earning</b>	درآمد
<b>Entrepreneurship</b>	کارآفرینی
<b>Environment States</b>	شرایط محیطی ، حالت‌های محیطی
<b>Effectiveness</b>	اثربخشی
<b>Efficiency</b>	کارایی
<b>Entrepreneur</b>	کارآفرین
<b>Entry – Level</b>	در بدو استخدام ، در بدو ورود
<b>Evaluating</b>	ارزیابی
<b>External</b>	بیرونی ، خارجی
<b>Effective Executive</b>	مدیر موثر
<b>Enterprise</b>	موسسه
<b>Environment</b>	محیط
<b>Equity</b>	تساوی ، برابری
<b>Exception Principle</b>	اصل استثنایی
<b>Expulsion</b>	اخراج
<b>Environmental Dimensions</b>	ابعاد محیطی
<b>Environmental Protection Agency</b>	آژانس حفاظت محیطی
<b>Economic Scenario</b>	ستاریوی اقتصادی
<b>Equilibrium</b>	تعادل ، توازن
<b>Expectation</b>	انتظار ، توقع
<b>Education</b>	آموزش

Essay Rating	درجه بندی انشایی
<b>Examination</b>	امتحان ، آزمایش ، معاینه
<b>Effort</b>	کوشش ، تلاش
<b>Equality Theory</b>	نظریه برابری
<b>Esteem Need</b>	نیاز احترام
<b>Existence Needs</b>	نیازهای زیستی
<b>Expectancy Theory</b>	نظریه انتظار
<b>Extinction</b>	خاموشی
<b>Expert Power</b>	قدرت خبرگی
<b>Earliest Expected Date</b>	زودترین تاریخ مورد انتظار
<b>Economic Order Quantity(EOQ)</b>	مقدار سفارش اقتصادی
<b>Event</b>	واقعه ، رویداد
<b>Expense</b>	هزینه
<b>Electronic Data Processing(EDP)</b>	پردازش الکترونیکی داده ها
<b>Erroneous</b>	اشتباه آمیز
<b>Expertise</b>	تخصص
<b>Equal Probability Model</b>	مدل احتمال برابر ، مدل احتمال یکسان
<b>Expected Value</b>	ارزش مورد انتظار
<b>Encoding Process</b>	فرآیند رمز گذاری
<b>Extra-Organizational communication</b>	ارتباطات فرا سازمانی
<b>Eliminating Conflict</b>	حذف تعارض
<b>Exaggerate</b>	مبالغه کردن
<b>Eustress</b>	استرس مفید ، استرس مثبت
<b>Exhaustion Phase</b>	مرحله‌ی خستگی مفرط
<b>Environmental pollution</b>	آلودگی محیطی
<b>Ethics</b>	اخلاقیات
<b>Exploration</b>	کاوش ، اکتشاف ، شناسایی
<b>Figurehead</b>	ریس تشریفاتی
<b>First-Line Managers</b>	مدیران خط مقدم ، مدیران عملیاتی
<b>Foreman</b>	سرکارگر
<b>Functional manager</b>	مدیر وظیفه‌ای
<b>Functional Foremanship</b>	سرپرستی وظیفه‌ای
<b>Federal</b>	فدرال ، مرکزی ، دولتی

<b>Focus</b>	تمرکز
<b>Functional Strategy</b>	استراتژی اجرایی (عملکردی)
<b>Formal Organizational Structure</b>	ساختار سازمانی رسمی
<b>Free Form Organization</b>	سازمان با ساخت آزاد
<b>Functional Structure</b>	ساختار وظیفه ای
<b>Feedback</b>	بازخور
<b>Force-Field Theory</b>	نظریه میدان نیرو
<b>Forced distribution</b>	توزيع اجباری
<b>Facilitating Style</b>	سبک تسهیل کنندگی ، سبک پشتیبانی
<b>Fanfare</b>	تشریفاتی
<b>Formal Groups</b>	گروههای رسمی
<b>Fabricated Parts</b>	قطعات در جریان ساخت
<b>Feedback Control</b>	کنترل گذشته نگر ، کنترل بعد از عمل
<b>Feedback Loop</b>	حلقه باز خور
<b>Feed forward Control</b>	کنترل آینده نگر
<b>Financial Statements</b>	صورتهای مالی
<b>Fixed Budget</b>	بودجه ثابت
<b>Fixed-Position Layout</b>	استقرار وضعیت ثابت
<b>Flexible Layout</b>	استقرار بر مبنای وضعیت منعطف
<b>Flow-Process Chart</b>	نمودار جریان تولید ، نمودار فرآیند جریان عملیات
<b>Flow-Diagram Chart</b>	نمودار جریانی
<b>Facts</b>	حقایق ، واقعیتها
<b>Feasibility</b>	امکانپذیری
<b>Flexibility</b>	قابلیت انعطاف
<b>Fluency</b>	سلامت ، روانی
<b>Fighting to dominate</b>	مبارزه برای تسلط داشتن
<b>Forcing</b>	اجبار
<b>Free Rein Leader</b>	رهبر تفویض کننده
<b>Fixed Interval Order (FIO)</b>	مدل فاصله ثابت بین دو سفارش در مدیریت موجودی
<b>Fixed Period System</b>	سیستم ثابت دوره ای
<b>Feasibility study</b>	مطالعه ای امکان سنجی
<b>fee</b>	کارمزد
<b>Financial strength</b>	توان مالی

Focus groups	گروههای متمرکز
Franchise	امتیاز انحصاری
Funds	بودجه
Guerilla marketing	بازاریابی چریکی
GATT	موافقنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت
General Manager	مدیر کل، مدیر عمومی
Gross National product (GNP)	تولید ناخالص ملی
Generic Strategy	استراتژی کلان
Growth Needs	نیازهای رشد
Group Cohesiveness	انسجام گروه
Group formation	شکل گیری گروه
Group norms	هنجرهای گروه
Group Roles	نقشهای گروه
Group size	اندازه گروه
Group Thinking	تفکر گروهی، گروه اندیشی
Groupthink	تفکر گروهی، گروه اندیشی
Goal Conflict	تضاد در هدف
General Adaptation Syndrome	سندروم سازگاری عمومی، عوارض وفق پذیری عمومی
Government Regulation	مقررات دولت
Heuristics	ابتکاری
Hire	استخدام کردن
Hawthorne Effect	اثر هاثورن
Hierarchical of Authority	سلسله مراتب اختیارات
Holistic	کل گرا
Homogeneity	یکنواختی
Horizontal Specialization	تخصص گرایی افقی
Human Resource Management	مدیریت منابع انسانی
Human Resource Planning	برنامه ریزی نیروی انسانی
Horizontal Job Loading	اضافه کردن افقی شغل (توسعه شغل)
Hygiene Factors	عوامل بهداشتی
Human Consideration	ملاحظه انسانی
Heterogeneity	ناهمگنی
Homogeneity	همگنی

<b>Historical Data</b>	داده های تاریخی
<b>Human Engineering</b>	مهندسی انسانی
<b>Horizontal Communication</b>	ارتباطات افقی
<b>Hierarchical Appeal</b>	تسلیل سلسله مراتبی
<b>High Authority</b>	مافوق ، اختیار بالاتر
<b>Homogenize</b>	همگون نمودن
<b>Horizontal Conflict</b>	تعارض افقی
<b>Hierarchical Movement</b>	حرکت سلسله مراتبی
<b>Intrapreneurial</b>	کارآفرینی درون سازمانی
<b>Interest rate</b>	نرخ بهره
<b>Intellectual property</b>	مالکیت معنوی
<b>Intangible asset</b>	دارایی نامشهود
<b>Informational Roles</b>	نقشهای اطلاعاتی
<b>Internal</b>	دروندی ، داخلی
<b>Interpersonal Roles</b>	نقشهای متقابل شخصی ، نقشهای ارتباطی
<b>Industrial Revolution</b>	انقلاب صنعتی
<b>Innovation</b>	نوآوری
<b>Instruction</b>	راهنمای مشاغل
<b>Isolation</b>	جداسازی ، ایزوله کردن
<b>Inflation Rate</b>	نرخ تورم
<b>Interest Rate</b>	نرخ بهره
<b>Intention</b>	قصد ، نیت
<b>Incremental Budgeting</b>	بودجه ریزی افزایشی
<b>Informal Organization</b>	سازمان غیر رسمی
<b>Institutional Level</b>	سطح نهادی
<b>Integration</b>	انسجام ، یکپارچگی
<b>Integrator</b>	ایجاد کننده ای ائتلاف
<b>Input</b>	داده ، ورودی ، درون داد
<b>Interrupt</b>	منقطع کردن ، ایجاد اختلال
<b>Inventory</b>	موجودی ، لیست
<b>Interviewee</b>	مصاحبه شونده
<b>Impoverished Management</b>	مدیریت بی خاصیت ، مدیریت درمانده
<b>Influence</b>	نفوذ

<b>Information Power</b>	قدرت اطلاعات
<b>Initiating Structure</b>	ساختار اولیه
<b>Illusion of invulnerability</b>	توهم غیر قابل آسیب پذیری
<b>Illusion of Unanimity</b>	توهم هم رایی
<b>Informal Groups</b>	گروههای غیر رسمی
<b>Inherent</b>	ذاتی
<b>Integrity</b>	شایستگی
<b>Interference</b>	دخالت
<b>Idle</b>	بیکاری
<b>Implicit Controllers</b>	کنترلهای ضمنی
<b>In-Charge</b>	متصدی
<b>Inventory Control</b>	کنترل موجودی کالا
<b>Information</b>	اطلاعات
<b>Ingredient</b>	جزء ، عنصر ، عامل
<b>Input</b>	ورودی ، داده
<b>Insight</b>	بینش ، بصیرت
<b>Interactive Mode</b>	حالت دو جانبه
<b>Intermittent manufacturing</b>	تولید متناوب
<b>Implementation</b>	اجرا ، پیاده سازی
<b>Inspirational Decision</b>	تصمیم شهودی ، تصمیم مبنی بر الهام
<b>Interpersonal Communication</b>	ارتباطات متقابل فردی
<b>Inter group Communication</b>	ارتباط درون گروهی
<b>Individual Dominance</b>	تسلط فردی
<b>Innate Values</b>	ارزشهای ذاتی
<b>Integrated Department</b>	بخش ادغام شده ، بخش تلفیقی
<b>Integration</b>	ادغام ، انسجام
<b>Integrative Bargaining</b>	چانه زدن انسجامی
<b>Inter role Conflict</b>	تعارض درون نقشی
<b>Inter sender Conflict</b>	تعارض درون فرستنده
<b>Infancy Stages</b>	مراحل نوزادی
<b>Impact Assessment Matrix</b>	ماتریس ارزیابی اثر
<b>Impacts</b>	اثرات ، تأثیرات
<b>Irregular Scanning</b>	کنکاش نامنظم

<b>Joint Venture</b>	سرمایه گذاری مشترک
<b>Job Analysis</b>	تجزیه و تحلیل شغل ، کارشکافی
<b>Job Bidding</b>	اعلان شغل ، دعوت به کار
<b>Job Description</b>	شرح شغل
<b>Job Design</b>	طراحی شغل
<b>Job Holder</b>	متصدی شغل
<b>Job Posting</b>	اعلان شغل
<b>Job Requirements</b>	ملزومات شغلی ، نیازمندیهای شغلی
<b>Job Shopper</b>	متقاضی شغل
<b>Job Specification</b>	شرایط احراز شغل
<b>Job Characteristics Model</b>	مدل ویژگیهای شغلی
<b>Job Enlargement</b>	توسعه ای شغلی ، گسترش شغلی
<b>Job Enrichment</b>	غنجی سازی شغل
<b>Job Rotation</b>	گردش شغلی
<b>Just-In-Time Production(JIT)</b>	تولید بهنگام
<b>Job Design</b>	طراحی شغل
<b>Job Shop</b>	کارگاه
<b>Judgmental Decision</b>	تصمیم قضاوتی
<b>Judgment by Arbitration</b>	قضاوت به وسیلهٔ حکمیت
<b>Leader</b>	رهبر
<b>Liaison</b>	رابط
<b>Law</b>	قانون
<b>Legislation</b>	قانون
<b>Lobbyists</b>	فعالان سیاسی وابسته به شرکتها
<b>Likely Events</b>	رویدادهای احتمالی
<b>Lateral</b>	افقی
<b>Line</b>	صف
<b>Linking-Pin Organization</b>	سازمان با گروهای متدخل (سنjac اتصال)
<b>Leadership</b>	رهبری
<b>Leadership Functions</b>	وظایف رهبری
<b>Leadership Style</b>	سیک رهبری
<b>Legal Power</b>	قدرت قانونی
<b>Legitimate Power</b>	قدرت مشروع

<b>Latest Allowable Date</b>	طولانی ترین زمان قابل اجازه
<b>Law of Mal-distribution</b>	قانون توزیع نامناسب
<b>Law of Requisite Variety</b>	قانون تنوع لازم
<b>Leeway</b>	انحراف ، تأخیر
<b>Leverage Ratios</b>	نسبتهای اهرمی ، نسبتهای بدھی
<b>Linear Programming</b>	برنامه ریزی خطی
<b>Linear Relationship</b>	رابطه خطی
<b>Liquidity Ratios</b>	نسبتهای نقدینگی
<b>Local Area Networks (LANS)</b>	شبکه های محلی
<b>Layout</b>	طرح ، استقرار
<b>Lack of congruence</b>	عدم تطابق ، عدم تجانس
<b>Lateral Communication</b>	ارتباطات افقی
<b>Line-State Conflict</b>	تعارض در وضعیت صفتی
<b>Low Self-Esteem</b>	احترام به خود پایین ، مناعت طبع پایین
<b>Lateral Movement</b>	حرکت افقی
<b>Life Stages</b>	مراحل زندگی
<b>Life Transition</b>	گذر عمر
<b>Line Authority</b>	اختیار صفتی
<b>Laissez-Faire</b>	آزاد از کنترل
<b>Leverage ratio</b>	نسبت اهرمی
<b>LIFO</b>	اولین صادره از آخرین واردہ
<b>Liquidation value</b>	ارزش انحلال
<b>Management</b>	مدیریت
<b>Management Functions</b>	وظایف مدیریت
<b>Management Levels</b>	سطوح مدیریت
<b>Middle Levels</b>	سطوح میانی
<b>Middle Managers</b>	مدیران میانی
<b>Monitor</b>	بررسی کردن ، نظارت کردن
<b>Maintenance Goals</b>	اهداف نگهدارنده (بقاء)
<b>Manufacture</b>	تولید کننده
<b>Motion Studies</b>	مطالعات حرکت سنجی
<b>Managerial Values</b>	ارزشهای مدیریتی
<b>Mission Statement</b>	بیانیه رسالت ، اعلامیه‌ی فلسفه وجودی

<b>Management By Objectives (MBO)</b>	مدیریت بر مبنای اهداف
<b>Modular Organization</b>	سازمان با واحدهای مستقل
<b>Merger</b>	ادغام
<b>Matrix Organization structure</b>	ساختار سازمانی ماتریسی (خزانه ای)
<b>Manpower Planning</b>	برنامه ریزی نیروی انسانی
<b>Measurement</b>	اندازه گیری ، سنجش
<b>Meeting</b>	سینیار
<b>Measure of Performance</b>	سنجهش عملکرد
<b>Measurement</b>	سنجهش ، اندازه گیری
<b>Motivators</b>	انگیزانده ها
<b>Management Styles</b>	سبکهای مدیریت
<b>Managerial Grid</b>	شبکه مدیریت ، سبک سنج مدیریت
<b>Middle of The Road Management</b>	مدیریت بینا بینی
<b>Majority Rule</b>	حاکمیت اکثریت
<b>Morality</b>	اصول اخلاقی
<b>Marginal</b>	حاشیه ای
<b>Materials Requirement planning (MRP)</b>	برنامه ریزی الزامات مواد
<b>Most Likely Time</b>	محتمل ترین زمان
<b>Management Information System (MIS)</b>	سیستم اطلاعاتی مدیریت
<b>Man-Machine Chart</b>	نمودار انسان - ماشین
<b>Motion Economy</b>	صرفه جویی در حرکت
<b>Mathematical Model</b>	مدل ریاضی
<b>Maximin Rule</b>	قانون حداقل حداقلها
<b>Minimizing Regret Model</b>	مدل حداقل سازی پشیمانی
<b>Monitoring Results</b>	ناظارت بر نتایج
<b>Majority Dominance</b>	تسلط اکثریت
<b>Mediation</b>	واسطه (میانجیگری)
<b>Managerial Career Ladder</b>	نردهبان مسیر ترقی مدیریتی
<b>Mentor</b>	مربی ، مرشد ، ناصح
<b>Multi- Environment</b>	محیطهای چند گانه
<b>Managing under-writer</b>	مدیریت کارگذار
<b>Margin</b>	حاشیه
<b>Market research</b>	تحقیقات بازار

<b>Market share</b>	سهم بازار
<b>Marketing</b>	بازاریابی
<b>Negotiator</b>	مذاکره کننده
<b>Nullification</b>	بی اثر ساختن ، ابطال
<b>Network structure</b>	ساختار شبکه ای
<b>Need for Achievement (N Ach)</b>	نیاز به موفقیت
<b>Need for Affiliation (N Aff)</b>	نیاز به دلبستگی ، نیاز تعلق
<b>Need for Power (N Power)</b>	نیاز به قدرت
<b>Needs Hierarchy</b>	سلسله مراتب نیازها
<b>Negative Reinforcement</b>	تقویت منفی
<b>Nominal Group Technique</b>	روش گروه اسمی
<b>Natural Language</b>	زمان طبیعی
<b>Network Techniques</b>	تکنیکهای شبکه
<b>Nodes</b>	گره ها
<b>Non-Programmable Decisions</b>	تصمیمات برنامه ریزی نشده
<b>Non-Verbal Messages</b>	پیامهای غیر کلامی
<b>Negotiation</b>	مذاکره
<b>Novice Period</b>	دوره ابتدایی
<b>Novice</b>	مبتدی ، تازه کار
<b>Opportunity</b>	فرصت
<b>Organizing</b>	سازماندهی
<b>Open System</b>	سیستم باز
<b>Organizational Cycles Model</b>	مدل چرخه های سازمانی
<b>Occupational</b>	شغلی ، حرفة ای
<b>Overall Cost Leadership</b>	رہبری کلی هزینه
<b>Objectives</b>	اهداف بلند مدت
<b>Operational planning</b>	برنامه ریزی عملیاتی
<b>Operation Research</b>	پژوهش عملیاتی ، تحقیق در عملیات
<b>Organizational Chart</b>	نمودار سازمانی
<b>Overhead</b>	سریار
<b>Organizational Processes</b>	فرآیندهای سازمانی
<b>Output</b>	ستانده ، خروجی ، برونداد
<b>Observation</b>	مشاهده

<b>On-the-Job Training</b>	آموزش ضمن خدمت
<b>Organization Chart</b>	نمودار سازمانی
<b>Orientation</b>	معارفه ، آشنایی
<b>Outsiders</b>	افراد خارج از گروه
<b>Objective Factors</b>	عوامل عینی
<b>Obligation</b>	تعهد
<b>Open-Loop Structure</b>	ساختار حلقه باز
<b>Optimistic Time</b>	زمان خوش بیانه
<b>Optimum Reorder Point</b>	نقطه بهینه سفارش مجدد
<b>Overestimating</b>	تخمين بیش از اندازه
<b>Obsolete</b>	منسوخ ، کهنه ، از رواج افتاده
<b>Output</b>	ستاده ، خروجی
<b>Overload</b>	بیش از اندازه
<b>Operation Management</b>	مدیریت عملیات
<b>Operation-Process Chart</b>	نمودار فرآیند عملیات
<b>Operations</b>	عملیات
<b>Operator-Activity Chart</b>	نمودار فعالیت متصدی
<b>Optimist's Model</b>	مدل خوش بیانه
<b>One-Way Communication</b>	ارتباطات یکطرفه
<b>Ombudsman</b>	داور
<b>Organizational Scanning System</b>	سیستم کنکاش سازمانی
<b>Orientation</b>	جهت یابی
<b>Outlet</b>	جاگاه فروش
<b>Owners equity</b>	حقوق صاحبان سهام
<b>Production Line</b>	خط تولید
<b>Premium</b>	حق بیمه
<b>Patent</b>	حق امتیاز
<b>Performance</b>	عملکرد
<b>Philosophy of Management</b>	فلسفه‌ی مدیریت
<b>Planning</b>	برنامه‌ریزی
<b>President</b>	ریس
<b>Productivity</b>	بهره‌وری
<b>Promotion</b>	ترفیع ، تبلیغ ، ترویج

<b>Pioneer</b>	پیشرو
<b>Pricing</b>	قیمت گذاری
<b>Periodic Update</b>	به روز رسانی دوره ای
<b>Priority</b>	اولویت ، حق تقدم ، برتری
<b>Political Scenario</b>	سناریوی سیاسی
<b>Participate</b>	مشارکت کردن
<b>Planning process</b>	فرآیند برنامه ریزی
<b>Policies</b>	سیاستها ، خط مشی ها
<b>Procedures</b>	رویه ها
<b>Programs</b>	برنامه ها
<b>Projects</b>	پروژه ها
<b>Peter Principle</b>	اصل پیتر
<b>Pooled Interdependence</b>	وابستگی مجموعه ای
<b>Process-Based Structures</b>	ساختار مبتنی بر فرآیند
<b>Product/Market Organization</b>	سازمان بر مبنای محصول/بازار
<b>Project Organization</b>	سازمان بر مبنای پروژه
<b>Purpose-Based Structures</b>	ساختارهای مبتنی بر هدف
<b>People Change</b>	تغییر افراد
<b>Pay</b>	پرداخت ، حقوق
<b>Performance Appraisal</b>	ارزیابی عملکرد
<b>Personnel</b>	پرسنل ، کارکنان
<b>Point</b>	امتیاز
<b>Position</b>	مقام ، موقعیت ، جایگاه
<b>Projection</b>	فرافکنی
<b>Promotion</b>	ترفیع ، ارتقا
<b>Physiological Needs</b>	ニازهای فیزیولوژیک
<b>Positive Reinforcement</b>	تقویت مثبت
<b>Participating Style</b>	سیک مشارکتی
<b>Path-Goal Theory</b>	نظریه مسیر - هدف
<b>People-Oriented</b>	مردم گرا
<b>Position Power</b>	قدرت پست و مقام
<b>Power</b>	قدرت
<b>Punishment Power</b>	قدرت تنبیه

<b>Permanent Committee</b>	کمیته دائمی
<b>People-Control System</b>	سیستم کنترل از طریق افراد
<b>Pessimistic Time</b>	زمان بدینانه
<b>Preferences</b>	ترجیحات
<b>Prior-Time System</b>	سیستم زمان قبلی
<b>Profitability Ratios</b>	نسبت‌های سود آوری
<b>Program Evaluation &amp; Review Technique (PERT)</b>	تکنیک ارزیابی و بازنگری برنامه
<b>Project Control Techniques</b>	تکنیک‌های کنترل پروژه
<b>Proportional Relationship</b>	رابطه نسبتی
<b>Pitfall</b>	دام ، تله
<b>Processing</b>	پردازش
<b>Plant</b>	کارخانه
<b>Process Layout</b>	استقرار بر مبنای فرایند
<b>Product Layout</b>	استقرار بر مبنای محصول
<b>Product Life Cycle</b>	چرخه عمر محصول
<b>Production</b>	تولید
<b>Production Efficiency</b>	کارایی تولید
<b>Production Operations</b>	عملیات تولید
<b>Production Standards</b>	استانداردهای تولید
<b>Productivity</b>	بهره وری
<b>Pay-Offs</b>	پیامدها ، نتایج
<b>Pessimist's Model</b>	مدل بدینانه
<b>Problem</b>	مشکل ، مسئله
<b>Problem Diagnosis</b>	تشخیص مسئله
<b>Problem Identification</b>	شناسایی مسئله
<b>Procedures</b>	رویه ها
<b>Programmed Decisions</b>	تصمیمات برنامه ریزی شده
<b>Perceiving</b>	درک
<b>Proxemics</b>	مطالعه / بررسی فاصله با افراد
<b>Personal Attributes</b>	خصیصه های شخصی
<b>Person-role Conflict</b>	تضاد بین نقش و فرد
<b>Perception Distortion</b>	کج فهمی
<b>Physical Effects</b>	اثرات فیزیکی

<b>Psychological Effects</b>	اثرات روانی
<b>Professional Career Ladder</b>	مسیر شغلی حرفه ای
<b>Perceived Uncertainty</b>	عدم اطمینان درک شده
<b>Plateau</b>	فلات
<b>Preparation</b>	آمادگی
<b>Production Order Quantity(POQ)</b>	مدل دریافت تدریجی کالا
<b>Qualified</b>	واحد شرایط
<b>Quality Circles</b>	حلقه های کیفیت
<b>Quantifiable</b>	قابل کمی شدن ، کمیت پذیر
<b>Querying Theory</b>	تئوری پرسش
<b>Queuing Theory</b>	تئوری صف
<b>Quality Control</b>	کنترل کیفیت
<b>Quality</b>	کیفیت
<b>Quantitative Models</b>	مدلهای کمی
<b>Quantity Discount Model (QDM)</b>	مدل تخفیف مقداری
<b>Royalty</b>	حق امتیاز
<b>Relatedness Needs</b>	نیازهای تعلق ، نیازهای وابستگی
<b>Resource Allocator</b>	تخصیص دهنده ای منابع
<b>Responsibility</b>	مسئولیت
<b>Regulation</b>	مقررات
<b>Rule of Thumb</b>	قاعده ای سر انگشتی
<b>Resource Rationing</b>	سهمیه بندی منابع
<b>Rank-Ordered</b>	درجه بندی ترتیبی
<b>Rules</b>	قوانین
<b>Reciprocal Interdependence</b>	وابستگی طرفینی (متقابل)
<b>Refreezing Process</b>	فرآیند انجاماد مجدد (ثبت)
<b>Reinforcement</b>	تقویت
<b>Resistance to change</b>	مقاومت در برابر تغییر
<b>Ranking</b>	رتبه بندی
<b>Recommendation</b>	معرفی نامه
<b>Regression</b>	همبستگی ، رگرسیون
<b>Requirement</b>	کارمند یابی ، استخدام
<b>Reasoning/Persuading Style</b>	سبک استدلالی - ترغیبی (استدلالی - تشویقی)

<b>Referent Power</b>	قدرت مرجعیت ، قدرت صلاحیت
<b>Relation Power</b>	قدرت رابطه
<b>Relationship Behavior</b>	رفتار مبتنی بر روابط انسانی
<b>Reward Power</b>	قدرت پاداش
<b>Ratios Analysis</b>	تجزیه و تحلیل نسبتها
<b>Real-Time Control</b>	کنترل زمان واقعی
<b>Real-Time System</b>	سیستم زمان واقعی
<b>Restriction</b>	حدودیت
<b>Return</b>	بازده
<b>Revenue</b>	درآمد
<b>Raw</b>	خام
<b>Record</b>	ثبت ، یادداشت ، ثبت و ضبط کردن
<b>Relevancy</b>	مربوط بودن
<b>Retention</b>	نگهداری ، حفظ ، ضبط
<b>Robotics</b>	رباتیک ، علم بکار گیری ماشینهای انسان واره
<b>Redesign</b>	طراحی مجدد
<b>Relative Frequency</b>	فراوانی نسبی
<b>Restructuring</b>	ساختار دهی مجدد
<b>Role Ambiguity</b>	ابهام نقش
<b>Role Episode</b>	رویداد نقش
<b>Role Overload</b>	اضافه بار در نقش ، فزونی نقش
<b>Reaction</b>	عکس العمل
<b>Resistance Phase</b>	مرحله ای مقاومت
<b>Regular Scanning</b>	کنکاش منظم (مرتب)
<b>Resource</b>	منبع
<b>Reorder Point (ROP)</b>	نقطه سفارش مجدد
<b>Spokesperson</b>	سخنگو
<b>Supervisor</b>	سرپرست
<b>Scalar Chain of Command</b>	سلسله مراتب فرماندهی
<b>Scientific Management</b>	مدیریت علمی
<b>Situational Leadership</b>	رهبری اقتضایی ، رهبری وضعیتی
<b>Specialization</b>	تخصص گرایی
<b>Subordinate</b>	زیردست ، مرئوس

<b>Subordination</b>	اطاعت ، زیردستی
<b>Subsystem</b>	سیستم فرعی ، خردہ سیستم
<b>Systems Approach</b>	رویکرد سیستمی
<b>Safety</b>	ایمنی
<b>Scanning</b>	ناظارت ، مرور اجمالی
<b>Security</b>	امنیت
<b>Stable Environment</b>	محیط ایستا (ثابت)
<b>State-of-the-Art</b>	مدرن
<b>Stockpiling</b>	ذخیره سازی
<b>Surveillance</b>	تحقیق و جستجو ، مراقبت ، ناظارت
<b>Simulation Model</b>	مدل شبیه سازی
<b>Social Scenario</b>	سناریوی اجتماعی
<b>Strategic Business Unit (SBU)</b>	واحد تجاری استراتژیک
<b>Strategic Decision</b>	تصمیم استراتژیک
<b>Strategic Formulation</b>	تدوین استراتژیک
<b>Strategic Niche in the Market</b>	جاگاه استراتژیک در بازار
<b>Strategic Objective</b>	هدف استراتژیک
<b>Strategic Planning</b>	برنامه ریزی استراتژیک
<b>Strategic Thinking</b>	تفکر استراتژیک
<b>Strategy Implementation</b>	اجرای استراتژی ، بکار گیری استراتژی
<b>Satisfaction</b>	رضایت
<b>Single-Use Plans</b>	برنامه های تک کاربردی
<b>Standing Plans</b>	برنامه های جاری ، برنامه های همیشگی
<b>Sequential Interdependence</b>	وابستگی ترتیبی
<b>Simple Structure</b>	ساختار ساده
<b>Staff</b>	ستاند ، کارکنان ، پرسنل
<b>Staff Authority</b>	اختیار ستادی
<b>Sensitivity</b>	حساسیت
<b>Structural Change</b>	تغییر ساختاری
<b>Systems Approach</b>	رویکرد سیستمی
<b>Salary</b>	حقوق
<b>Selection</b>	انتخاب
<b>Socialization</b>	جامعه پذیری

<b>Safety Needs</b>	نیازهای ایمنی
<b>Self-Actualization Needs</b>	نیازهای خود شکوفایی ( خود یابی)
<b>Situational Model</b>	مدل موقعیتی
<b>Source of Power</b>	منابع قدرت
<b>Supporting Style</b>	سیک حمایتی
<b>Self-Appointed Mind guards</b>	خط دهنده های شخصی
<b>Self-censorship</b>	خود سانسوری
<b>Social Facilitation</b>	آسان سازی اجتماعی
<b>Social Networks</b>	شبکه های اجتماعی
<b>Stereotypic</b>	کلیشه ای
<b>Storming</b>	طوفان
<b>Safety stock</b>	ذخیره احتیاطی
<b>Sensing Device</b>	ابزار حس کردن
<b>Significant</b>	قابل ملاحظه
<b>Simulation</b>	شبیه سازی
<b>Slack</b>	سکون
<b>Sophisticated</b>	پیشرفته ، ماهر
<b>Standard</b>	استاندارد
<b>Subassembly</b>	بخش فرعی
<b>Subjective Factors</b>	عوامل ذهنی
<b>Statistical</b>	آماری
<b>Stochastic</b>	اتفاقی
<b>Storage</b>	ذخیره
<b>Standards data</b>	داده های استاندارد
<b>Stopwatch Time Studies</b>	مطالعات کرونومتری
<b>Satisfying decisions</b>	تصمیمات رضایت بخش
<b>State of Nature</b>	حالت طبیعی
<b>Sub-Decisions</b>	تصمیمات جزئی - تصمیمات فرعی
<b>Symptoms</b>	نشانه ها ، علایم
<b>Signal Social Readjustment Rating Scale</b>	مقیاس درجه بندی سازگاری مجدد اجتماعی
<b>Stereotypes</b>	کلیشه سازی ، تعمیم های ناروا
<b>Self-Confidence</b>	اعتماد بنفس
<b>Sociological Effects</b>	اثرات اجتماعی

<b>Stress</b>	استرس ، فشار عصبی
<b>Stressors</b>	عوامل فشار آفرین
<b>Search</b>	جستجو ، بررسی ، تحقیق
<b>Social Responsibility Continuum</b>	پیوستار مسئولیت اجتماعی
<b>Social Responsibility Matrix</b>	ماتریس مسئولیت اجتماعی
<b>Setup Cost (SC)</b>	هزینه راه اندازی
<b>Safety Stock (SS)</b>	ذخیره ای احتیاطی
<b>Small Business Administration (SBA)</b>	شرکتهای تجاری کوچک
<b>Seed capital</b>	سرمایه ای اولیه
<b>Solvency</b>	قدرت پرداخت دیون
<b>Spreadsheet</b>	صفحه گستردۀ
<b>Start-up</b>	شرکت تازه تأسیس
<b>Tangible assets</b>	داراییهای مشهود
<b>Test marketing stage</b>	مرحله ای آزمون بازاریابی
<b>Track record</b>	سوابق اجرایی
<b>Trade barriers</b>	موانع تجاری
<b>Turn-key project</b>	پروژه ای آماده
<b>Turnover</b>	حجم فروش
<b>Trial</b>	آزمون ، آزمایش
<b>Task</b>	وظیفه ، کار
<b>Technical Skills</b>	مهارت‌های فنی ، مهارت‌های تکنیکی
<b>Top Managers</b>	مدیران عالی
<b>Technical Competence</b>	شاخصتگی فنی
<b>Thought</b>	تفکر
<b>Time Studies</b>	مطالعات زمان سنجی
<b>Technology</b>	فن آوری ، تکنولوژی
<b>Threat</b>	تهدید
<b>Trend</b>	روندها
<b>Turbulent</b>	متلاطم
<b>Technological Scenario</b>	سناریوی تکنولوژی
<b>Traditional</b>	ستنتی
<b>Team Structure</b>	ساختار تیمی
<b>Technical Level</b>	سطح فنی

<b>Techno-Structure</b>	ساختار فنی
<b>The divisional Bureaucracy</b>	بوروکراسی بخشی
<b>The Machine Bureaucracy</b>	بوروکراسی ماشینی
<b>The professional Bureaucracy</b>	بوروکراسی حرفه ای
<b>The Real Knowledge Organization</b>	سازمان بر مبنای دانش
<b>The System 4 Perspective</b>	دیدگاه سیستم چهار
<b>Talent</b>	استعداد
<b>Technological change</b>	تغییر تکنولوژیکی
<b>Terminology</b>	واژه نامه
<b>Task Identity</b>	هویت شغلی
<b>Task Significance</b>	اهمیت شغلی
<b>Termination</b>	خاتمه خدمت
<b>The Graphic Rating Scale</b>	مقیاس درجه بندی نموداری
<b>Thematic Apperception Test</b>	آزمون درک محتوا
<b>Training Program</b>	برنامه آموزش
<b>Two-Factor Theory</b>	نظریه دو عاملی
<b>Task Behavior</b>	رفتار کاری
<b>Task Structure</b>	ساختار کار
<b>Task-Oriented</b>	کارگرا ، وظیفه مدار
<b>Telling Style</b>	سیک دستوری
<b>Trait Theory</b>	نظریه خصیصه (رهبر)
<b>Two-Dimensional Model</b>	مدل دو بعدی
<b>Task force</b>	نیروی کاری
<b>Time-consuming</b>	وقت گیر
<b>Traditional System</b>	سیستم سنتی
<b>Trivial</b>	بی اهمیت
<b>Trouble</b>	عیب ، اشکال
<b>Terminal</b>	پایانه ، ترمینال
<b>Timeliness</b>	موقع بودن
<b>Transaction</b>	معامله
<b>Technical</b>	فنی
<b>The nominal Group Technique</b>	روش گروه اسمی
<b>The Delphi Technique</b>	روش دلفی

<b>Time Precedence</b>	تقدم زمانی ، اولویت زمانی
<b>Tradeoff</b>	مبادله ، بدنه بستان
<b>Tradition</b>	سنن
<b>Transmission of Information</b>	انتقال اطلاعات
<b>Two-Way Communication</b>	ارتباط دو طرفه
<b>Tendency</b>	تمایل
<b>Type A Personality</b>	شخصیت نوع الف
<b>Type B Personality</b>	شخصیت نوع ب
<b>Unity of Command</b>	وحدت فرماندهی
<b>Unanticipated Event</b>	رویداد پیش بینی نشده
<b>Uncertainty</b>	عدم اطمینان
<b>Unpredictable</b>	غیر قابل پیش بینی
<b>Unfreezing Process</b>	فرآیند خروج از انجماد
<b>Unrealistic</b>	غیر واقع گرا
<b>Understanding</b>	درک ، فهمیدن
<b>Upward communication</b>	ارتباطات رو به بالا
<b>Unemployment</b>	بیکاری
<b>Vice-President</b>	معاون رئیس
<b>Vision</b>	چشم انداز ، دورنمای
<b>Vertical Integration</b>	ادغام عمودی
<b>Vestibule Training</b>	آموزش شبیه سازی
<b>Vertical Job Loading</b>	اضافه کردن عمودی شغل (غنى سازی شغل)
<b>Voluntary</b>	داوطلبانه
<b>Variable Budget</b>	بودجه متغیر
<b>Variation</b>	تغییر
<b>Verifiability</b>	قابل تصدیق بودن
<b>Verbal Messages</b>	پیامهای کلامی
<b>Vertical Communication</b>	ارتباطات عمودی
<b>Vertical Conflict</b>	تعارض عمودی
<b>Vertical merger</b>	الحاق بازار
<b>World Trade Organization (WTO)</b>	سازمان جهانی تجارت
<b>Working Capital</b>	سرمایه‌ی در گردش
<b>Wage</b>	دستمزد

<b>Waiting-Line Theory</b>	تئوری خط انتظار
<b>Work Measurement</b>	سنجهش کار ، اندازه گیری کار
<b>Work Sampling</b>	نمونه گیری کار
<b>Withdrawal</b>	کناره گیری ، جدایی گزینی
<b>Window of opportunity</b>	دریچه ی فرصت
<b>Work ethic</b>	اخلاق کاری
<b>Work history</b>	سوابق شغلی
<b>Zero-Base Budgeting</b>	بودجه بندی بر مبنای صفر